

فراهم سازد.

کتاب حاضر، بررسی تصاویر ارائه شده از غرب و غربیان در آثار نویسندگان ایرانی، علی‌الخصوص منتخبی از سفرنامه‌ها، رمان‌ها و داستان‌های کوتاه است. در این تحقیق، دو سؤال مطرح است: یکی این که، ایرانیان و به معنای دقیق‌تر برخی نویسندگان خاص چه تصویری از غرب و غربیان در اذهان عمومی ایجاد کرده‌اند، دوم این که عکس‌العمل‌های منفی ایرانیان در برابر غرب چه بوده است. به سؤال اول، به طور شفاف و صریح پاسخ داده شده است، در حالی که به پاسخ سؤال دوم، به طور ضمنی و غیر مستقیم پرداخته می‌شود. اگر چه در طول کتاب به دوره‌ها و سده‌های پیشین اشاره شده است، اما این تحقیق عمدتاً بر داستان‌های قرن بیستم متمرکز گردیده است. دلیل این امر، محور ادبیات گذشته و منظوم بودن آن است که غالباً مسایلی همچون مدیحه، پند و اندرز و عرفان را در بر می‌گرفتند، اما ادبیات عصر حاضر، بیش‌تر به مسایل روز پرداخته است. دلیل دیگر، آن است که مسایلی همچون آشنایی ایرانیان با غرب و مشکلات و معضلات ناشی از به‌کارگیری مدرنیته، بدون کنار گذاشتن ارزش‌ها و باورهای بومی، بیش‌تر مورد توجه نویسندگان عصر حاضر ایرانیان قرار گرفته و نیروی مدرنیته و تأثیرات خارجی، آنان را بیش‌تر به تحقیق و بررسی و شکل دادن چهره‌ی غرب سوق داده است.

ذهنیت ایرانیان از غرب، حاصل یک دوره‌ی کوتاه‌مدت و یا چندین سال نیست. برخی نگرش‌ها، در طول سالیان شکل و تکامل یافته و تا به امروز تداوم داشته‌اند. در مطالعات و بررسی‌های انجام شده با دو واژه به نام‌های «فرنگ» و «فرنگی» به کرات مواجه شده‌ایم که به لحاظ ریشه‌یابی از دو واژه «فرانس» و «فرانسوی» گرفته شده‌اند و اشاره به مردم و سرزمین مسیحیت دارند.

اشاره‌ی مستقیم به واژه‌ی «فرنگ» در ادبیات کلاسیک ایران چندان متداول نبود و سعدی شاعر قرن سیزدهم میلادی (قرن هفتم هجری شمسی)، تنها چندبار از این واژه استفاده کرده است. در این موارد که در گلستان مطرح شده‌اند چهره‌ی خشنی از غرب به نمایش گذاشته است. هر چند، گاهی وی از این واژه صرفاً برای نشان دادن تصویر مورد نظرش استفاده کرده و هدفش انتقاد از کسانی که به این نام منتسب هستند، نبوده است. در منطق‌الطیر عطار نیشابوری و در داستان شیخ سنان نیز، اشاراتی به تصویر منفی مسیحیت / فرنگ صورت گرفته است که این

تصویر عمدتاً به طور ضمنی قابل درک است. دوگانگی موجود در حکایت‌های عطار و اشعار سعدی بین مسلمانان و مسیحیان (که گروه اول با پرستش خداوند و یافتن راه حقیقت از گروه دوم با بت پرستی، شراب خواری و دنیاپرستی متمایز است)، در گذشته در اذهان مردم به دارالاسلام و دارالحرب جای گرفته بود، که از اولی به دارالاسلام و از دومی به دارالحرب تعبیر می‌شد.

در قرن هجدهم، به ویژه قرون نوزدهم و بیستم، ایرانیانی که به غرب سفر کرده بودند، تجربیات خود از این مکان، ساکنان، عقاید و نحوه زندگی مردم این دیار را در آثار ادبی و تاریخی به ثبت رساندند (سفرنامه). فصل دوم، با نام «شناخت ناشناخته» به بررسی برخی از این سفرنامه‌ها می‌پردازد و این کار به منظور شناخت نحوه‌ی نگرش این اشخاص به غرب و غربیان صورت می‌گیرد. اگر چه، این سفرنامه‌ها شرح عینی مشاهدات نویسندگان است، اما از بسیاری از جهات این شرح‌ها تصاویر ذهنی این نویسندگان از غرب می‌باشد.

افزایش تماس ایرانیان با غرب و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غرب بر ایران که به نظر بسیاری از تحصیل‌کردگان اجتناب‌ناپذیر بود، موجب شد تا مطالعاتی در خصوص شناخت غرب انجام شود. با این کار، چهره‌ی انعطاف‌ناپذیر غرب کمی در اذهان ایرانیان تغییر یافت، غربیانی که پیشرفت آن‌ها در زمینه‌های اجتماعی، تکنولوژیکی و حتی سیاسی مورد توجه تحصیل‌کردگان بود. در میان این گروه از تحصیل‌کردگان، کسانی معتقد بودند ایران برای رساندن خود به غرب باید در تمام زمینه‌ها، خود را با سبک و سیاق غربیان مطابقت دهد و تمام آداب و سنن آنان را برای دستیابی به پیشرفت تقلید نماید. به عقیده‌ی ایشان همان فرمول‌هایی که باعث پیشرفت غرب شده بودند، می‌توانستند در ایران پیاده شوند و ایران را نیز به همان نتایج حاصله برسانند. اما گروه دیگر، این کار را از دست دادن فرهنگ و تمدن ایران می‌دانستند و آن را تقلید کورکورانه می‌انگاشتند. جنگ میان سنت‌گرایان و نوگرایان در بسیاری از زمینه‌ها وجود داشت و تمام زمینه‌ها را در نوردید. این جنگ حتی خود را وارد عرصه‌ی ادبیات کرد. انعکاس این عقاید و جنگ‌های میان روشنفکران در حکایات و داستان‌های مشهور قرن بیستم، در فصل سوم با عنوان «غرب در تمایز» و فصل چهارم با عنوان «تأثیر بیگانه‌هراسی» مورد بررسی قرار گرفته است.

در آثار برخی از این نویسندگان، تصاویر تک‌بعدی از غرب که ناشی از اثرات بیگانه‌هراسی است، وجود دارد. اما بررسی دقیق این آثار نشان می‌دهد چنین دیدگاه‌هایی در اقلیت قرار دارند. در طرف دیگر این طیف، کسانی هستند که پاسخ به تمامی مشکلات موجود در جامعه را در گرو تقلید از غرب می‌دانند. این دسته از افراد نیز در اقلیت قرار دارند. اما نظریه‌ی غالبی که وجود دارد یک نظریه تردیدآمیز نسبت به غرب است که هم ابعاد منفی و هم ابعاد مثبت آن را متذکر می‌شود. نکته‌ی قابل توجه در خصوص این نظریه‌ی تردیدآمیز، این است که این نظریه نیز یکسان نمی‌باشد، بدین معنا که نگرش هنرمندان ادبی، منطقه به منطقه و دوره به دوره متفاوت است و به طور اجتناب‌ناپذیری با سابقه و تجربه‌ی شخصی نویسنده در ارتباط است. عکس‌العمل نویسندگانی همچون نویسندگان منطقه‌ی خلیج فارس که دارای تاریخ طولانی‌تری از تماس و ارتباط با خارجیان هستند، با عکس‌العمل و نگرش نویسندگانی که به دیگر نقاط کشور تعلق دارند و با غربیان چندان رابطه نداشته‌اند، متفاوت است. نگرش هنرمندان ادبی با وقایعی همچون سقوط دولت ملی‌گرای دکتر مصدق در سال ۱۹۵۳ که عمدتاً غرب (ایالات متحده) عامل آن دانسته شده است، تغییر می‌کند. نمونه‌ای از این داستان‌ها که چنین نگرش تردیدآمیزی را به نمایش می‌گذارند، در فصل پنجم با عنوان «تصاویر مجزا» مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

تلاش‌های رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی برای مدرنیزه کردن ایران و اعتقاد آن‌ها به تقلید از غرب و به‌کارگیری تمام فاکتورهایی که موجب پیشرفت آن‌ها شد، با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹-۱۹۷۸ ناکام ماند. انقلاب اسلامی، با خود تغییر بنیادینی را در تمام زمینه‌ها به همراه آورد. این واقعه یک واقعه‌ی ضد غربی بود. شعارها و واژه‌هایی همچون «شیطان بزرگ» در اشاره به ایالات متحده از سوی آیت‌الله خمینی نشان‌گر این بود که بار دیگر چهره‌ی منفی، منفور و انعطاف‌ناپذیر و خشن از غرب در اذهان ایرانیان دمیده شد.

نویسندگان این دوران نیز همچون دیگر اقشار جامعه تحت تأثیر فضای ایجاد شده ناشی از انقلاب قرار گرفتند و بر تصاویر منفی از غرب افزودند که این امر به خوبی در آثار آنان نمایان است. چگونگی آسیب‌پذیری و تأثیر انقلاب اسلامی بر داستان‌های مربوط به این دوران در قبال چنین احساسات ضد غربی در فصل ششم با عنوان «انعکاس‌های پس از انقلاب» از طریق

مطالعه و بررسی رمان‌ها و داستان‌های نوشته شده در این دوران مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

فصل دوم: «شناخت ناشناخته»

از آن‌جایی که ذهنیت و دریافت‌های ایرانیان در دوره‌های پیشین دشوار است، لذا باید به سفرنامه‌هایی که در سده‌های هجدهم، نوزدهم و اوایل بیستم تألیف شده است، مراجعه کرد. این سفرنامه‌ها حاصل سفر و تجربیات و مشاهدات ایرانیانی است که به فرنگ سفر کرده‌اند. البته «سفرنامه» موضوع تازه‌ای در ایران نیست و افرادی همچون ناصر خسرو در قرون گذشته در پی مسافرت‌های خود به غرب مبادرت به نوشتن سفرنامه کرده بودند که در طول حاکمیت سلسله‌ی قاجار (۱۷۷۹-۱۹۲۵) شهرت یافته و ادبیات نثر این دوران را متأثر از خود ساخته بود.

سفر ایرانیان به غرب (فرنگ)، عمدتاً به دلیل مسایل دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، تکنولوژیکی و اکتشافی انجام می‌شد. برخی از سفرنامه‌ها، نیز حاصل سفر اشخاص دیگر به غیر از خواص بود که در پی دلایل متعددی از جمله تحصیل، تجارت، کنجکاوی و ماجراجویی انجام می‌شد. نویسندگان متذکر می‌شود، این سفرنامه‌ها اغلب از نوعی فیلتر که آغشته به افکار، باورها و جانبداری‌های شکل گرفته در اذهان نویسنده‌های آنان بود، عبور داده می‌شد. به عبارت دیگر، مطالب و حکایت‌های مندرج در این سفرنامه‌ها باید از فیلتری به نام فرهنگ عبور می‌کرد. یک نگاه سطحی نشان می‌دهد این سفرنامه‌ها هم در برگیرنده نکات مثبت و نکات منفی از غرب می‌باشند. این نکات، گاهی به صورت صریح و آشکارا و گاهی اوقات به طور ضمنی به مخاطبین منتقل می‌شد. از جمله‌ی این سفرنامه‌ها، می‌توان به چندین نمونه اشاره کرد:

(۱) سفرنامه‌ی «سیر طالبی» یا «سفرنامه‌ی میرزا ابوطالب خان». این سفرنامه حاصل سفر میرزا ابوطالب به انگلستان در اواخر قرن هجدهم می‌باشد. وی متولد و بزرگ‌شده‌ی هند بود، اما پدر و مادر وی ایرانی بودند. او پس از قتل یکی از شاهزادگان در هند به انگلستان فرار کرد و پس از دو سال و نیم اقامت در لندن به فرانسه سفر نمود و دو ماه در آن‌جا اقامت گزید. (۲) سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی. وی یکی از تحصیل‌کردگان بود که توسط شاهزاده عباس میرزا برای مطالعه در مورد علوم جدید، همچون مهندسی، پزشکی، شیمی و علوم نظامی به انگلستان فرستاده شد.

(۳) حیرت‌نامه‌ی ابوالحسن خان ابلجی. وی سفیر ارسالی ایران به انگلستان بود. به رغم این‌که او

خود را دنیا دیده و بسیار سفر کرده می‌دانست، در سفر خود به انگلستان، با دیدن تفاوت‌ها، اظهار ناآشنایی و حیرت کرد. (۴) مخزن الوقایع، سفرنامه فرخ خان امین‌الدوله. این سفرنامه نیز یکی دیگر از سفرنامه‌هایی است که در پی سفر به اروپا در اواسط قرن نوزدهم نوشته شده است. وی نیز همچون ابوالحسن خان، برای انجام مأموریت عازم فرنگ شده بود. (۵) سفرنامه‌ی حاج سیاح به فرنگ. حاج سیاح یک روحانی جوان بیست و چند ساله با حس ماجراجویی و علاقه‌مند به دیدن جهان است که در اوایل دهه ۱۸۶۰ عازم سفر به اروپا از طریق مرز روسیه می‌شود. به رغم دیگر اشخاص سفر کرده به فرنگ، این فرد روحانی بدون داشتن مقصد و پول راهی سفر به فرنگ می‌شود. (۶) سفرنامه‌ی حاجی پیرزاده. وی که یک روحانی کهن سال صوفی بود پیش از سفر خود به فرنگ در اواسط دهه‌ی ۱۸۸۰ دو دهه‌ی پیش نیز از فرنگ دیدار کرده بود. وی در طی سفر خود از کشورهای همچون فرانسه، انگلستان، آلمان و اتریش دیدن می‌کند. وی، همچون سیاح یک فرد دولتی نبود گرچه از لحاظ سنی، نسبتاً پیر و با تجربه بود. حاجی پیرزاده در طی سفر خود به آن ابعاد از جامعه‌ی اروپایی که مورد بی‌توجهی و یا کم‌توجهی مسافران پیشین قرار گرفته بود، می‌پردازد. (۷) سفرنامه شیکاگو، توسط میرزا محمدعلی معین السلطنه. وی که یک تاجر بود مقصودش از سفر به فرنگ شرکت در نمایشگاه کلمبیایی در شیکاگو در سال ۱۸۹۳ و سفر به ایالات متحده بود. (۸) سفرنامه صحاف‌باشی. ابراهیم صحاف‌باشی یکی از تجار و مسافران با تجربه‌ی قرن نوزدهم بود که در موقعیت‌های بی‌شمار به این مکان‌ها سفر کرده بود.

یکی از ویژگی‌های قابل ملاحظه‌ی اغلب این سفرنامه‌ها این است که همه‌ی کسانی که مبادرت به سفر به فرنگ می‌کردند از پیشرفت‌های تکنولوژیکی غرب متعجب و حیرت‌زده می‌شدند. به طور کلی، صدها صفحه از هر سفرنامه‌ای به توضیح در مورد کارخانه‌ها، نوآوری‌های کشاورزی، پیشرفت‌های معماری و اختراعات مختلف اختصاص یافته بود. این مسافران از این پیشرفت‌های غربی با غبطه و حسادت یاد می‌کردند و همگی در فکر آن بودند که چگونه می‌توان چنین تکنولوژی را وارد ایران کرد.

ویژگی دوم که در بین تمامی این سفرنامه‌ها مشترک است، دولت و یا به طور خاص نحوه‌ی اداره‌ی مملکت و نظام دموکراتیک این دولت‌ها می‌باشد. در اغلب این سفرنامه‌ها، مقایسه‌ی مستقیم بین دولت‌ها (دولت‌های غربی و دولت ایران) صورت نگرفته است و این امر به راحتی

در سفرنامه‌ها قابل درک است. چراکه این سفرنامه‌ها پس از بازگشت به ایران مورد مطالعه قرار می‌گرفت و در صورت اظهار نظرات منفی در خصوص نحوه‌ی حاکمیت دولت، با عکس‌العمل مواجه می‌شد. با این وجود، به طور مثال، مسؤلیت‌های شاه فرانس در برابر مردم و چگونگی پاسخگویی آن در برابر پارلمان نشان‌دهنده‌ی تمایل نویسنده به نحوه‌ی اداره‌ی حکومت و نقد دولت ایران است.

یکی دیگر از مواردی که شدیداً مورد علاقه و استقبال مسافرین قرار می‌گرفت و در تمامی سفرنامه‌ها به آن اشاره شده است، موضوعات نظامی، سلاح‌ها نظم و نظام سربازان و حتی یونیفورم آن‌ها می‌باشد. مسافرین صفحات بسیاری از سفرنامه‌های خود را به توضیحات مفصلی از سربازخانه‌ها، بیمارستان‌های نظامی، سلاح‌ها و غیره اختصاص داده بودند، گویا که نظرشان برای کسب قدرت نظامی تقلید از غرب بود. علاوه بر آن، مسافرین از خدمات اجتماعی در جوامع اروپایی همچون تیمارستان، خیابان‌های هموار و روشن، پارک‌های عمومی و توجه به موضوعاتی همچون تحصیل و تفریح به نیکی یاد می‌کردند.

موارد گفته شده از جمله ابعاد مثبت غرب و زندگی غربی بود که تمام مسافرین به آن توجه داشتند و برای کسب پیشرفت‌های لازم در ایران خواستار تقلید از آن‌ها بودند. با این وجود، ابعاد دیگری از زندگی غرب و غرب وجود دارد که پیرامون آن‌ها نظرات منفی و یا تردیدآمیز وجود دارد.

نگرش اغلب نویسندگان این سفرنامه‌ها به زنان اروپایی از این مقوله به شمار می‌روند. از یک سو، نگرش آن‌ها به زنان اروپایی و غربی که هم‌دوش مردان در کارخانه‌ها و مغازه‌ها کار می‌کنند، یک نگرش مثبت است و از سوی دیگر، اخلاق و رفتار ایشان را بسیار دور از شأن انسانی و مخالف با اصول اخلاقی می‌دانند. این نویسندگان، همواره از نحوه‌ی لباس و پوشیدن زنان اروپایی علی‌الخصوص در رقص‌ها و موقعیت‌های خاص انتقاد دارند. روابط بین زنان و مردان نیز همواره مورد انتقاد آن‌ها بوده است. تأکید اروپاییان بر تفریح و زندگی خوب، ایرانیان را با نظرات تردیدآمیز مواجه ساخته بود. اگر چه، ایرانیان همواره نسبت به زندگی و نحوه‌ی زندگی اروپاییان با حسرت می‌نگریستند، اما این‌گونه زندگی را نیز خالی از هرگونه معنویت بر می‌شماردند.

به طور خلاصه، می‌توان گفت کفهی مثبت شرح زندگی غرب و غربیان که توسط این مسافرین ارائه می‌شد بر کفهی منفی آن برتری داشت. پیشرفت غرب در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژیکی در مقایسه با ایران که شرایط در آن در حالت راکد به سر می‌برد، مدرکی برای حمایت از نظریه‌ی تقلید از غرب به شمار می‌رود.

فصل سوم: «غرب در تمایز»

یکی از نیروهای تاریخی که تحولات اجتماعی و سیاسی را در ایران در دهه‌ی آغازین قرن بیستم تحت تأثیر قرار داد، آشنایی بیش‌تر با غرب بود. کسب اطلاعات بیش‌تر از غرب و آشنایی بیش‌تر ایرانیان با غربیان، چشم آن‌ها را به تحولات اجتماعی، تکنولوژیکی و علمی غرب باز نمود و این امر باعث شد تا این تحولات را با وضعیت راکد خود در کشور مقایسه کنند. آن‌ها پیشرفت‌های غرب در زمینه‌های مختلف را مبنای ارزیابی خود قرار داده بودند و شرایط موجود کشور را با این معیارها می‌سنجیدند. این خود وسیله‌ای بود تا نسبت به اوضاع و شرایط موجود در کشور خود نیز انتقاد داشته باشند. سفرنامه‌ها در این راستا می‌توانست نقش مهمی داشته باشد. زیرا به خوبی بیان‌گر نوعی انتقاد از اوضاع حکومتی بود. یکی از آثاری که این نقش را ایفا می‌کرد، سفرنامه‌ی ابراهیم بیگ نوشته‌ی زین العابدین مراغه‌ای بود. این سفرنامه برای اولین بار در سال ۱۸۹۵ در قاهره منتشر شد. این سفرنامه، داستان ابراهیم، یک ایرانی متولد ایران اما بزرگ‌شده در مصر بود که در اواخر قرن نوزدهم به ایران سفر می‌کند. وی که همچون پدرش دارای تعصب ملی بود، با سفر به ایران از اوضاع شدیداً نابسامان ایران بسیار متعجب و حیرت‌زده شد. به تعبیر وی، چیزی که در ایران وجود نداشت، تنها «قانون» بود. وی اوضاع ایران را کاملاً آشفته ارزیابی می‌کند و معتقد است در ایران هیچ حکمرانی به فکر معیشت مردم نیست. وی که عمده‌ی زندگی خود را در خارج از ایران گذرانده بود و تا حدی با زندگی و پیشرفت‌های غربی آشنایی داشت، بر نقش مطبوعات در ارتقای میزان آگاهی مردم تأکید می‌کرد. وی مطبوعات را آیینی خوبی برای بازتاب افکار عمومی، نقد از دولت و ارزیابی کار دولت معرفی می‌کرد. وی در این سفرنامه، علاوه بر مقایسه‌ی شهرهای ایرانی و غربی و طرز تفکر ایرانیان و غربیان، گاهی زبان به انتقاد از غربیان نیز می‌گشاید. او در ادامه‌ی داستانی که طی آن یکی از مستشاران انگلیسی

موفق به کسب امتیاز معدن از وزیر یا شاید شاه ایران می‌گردد، ایشان را به لحاظ پیشرفت و تکنولوژی مورد ستایش و به لحاظ استعمار و استثمار ایران مورد نکوهش قرار می‌دهد.

مطرح نمودن ابعاد متخلف زندگی غربی با هدف افشای مشکلات اجتماعی ایران تا دهه‌های اولیه قرن بیستم ادامه یافت. یکی از داستان‌هایی که به این منظور نوشته شد «بیل دیگ، بیل چغندر» نوشته محمدعلی جمال‌زاده در مجموعه‌ی «یکی بود یکی نبود» در سال ۱۹۲۱ است. در این داستان، نویسنده برای نقد صریح از مؤسسات اجتماعی ایران به یک شخصیت غربی روی می‌آورد. وی این شخصیت غربی را به عنوان شخصیت اصلی داستان در موقعیت‌های مختلفی قرار می‌دهد و ایران را از دید وی معرفی می‌کند که همان‌طور که گفته شده این کار به دلیل مطرح نمودن انتقادات خود از ایران بود. وی از هیأت (سیمای) زنان و مردان و نحوه‌ی لباس پوشیدن ایشان با شگفتی یاد می‌کند و با بازگویی و مقایسه‌ی ایشان با غرب و غربیان سعی دارد راه دستیابی به پیشرفت را به هم‌وطنان خود متذکر شود.

یکی دیگر از نویسندگانی که در دهه‌های اولیه‌ی قرن بیستم کار خود را آغاز نمود، صادق هدایت (۱۹۵۱-۱۹۰۳) بود که یکی از داستان‌نویسان بنام ایرانی محسوب می‌شود. وی نیز همچون جمال‌زاده دارای تجربه‌ی زیادی در خصوص زندگی غربی بود و در داستان‌های خود، شخصیت‌های غربی بی‌شماری را به کار گرفت. هدف وی از به‌کارگیری شخصیت‌های غربی در نقل داستان‌ها و مقایسه‌ی زندگی غربی و ایرانی، انتقاد از برخی ابعاد زندگی ایران بود. این امر، هم در داستان‌های طنز و هم در داستان‌های غم‌انگیز وی کاملاً مشهود است. به طور مثال، وی در کتاب «در کاروان اسلام: البعث الاسلامیة الی البلاد الفرنگیة» نگاه طنزآمیزی به برداشت روحانیون از غرب و یا تعصب اسلامی دارد. این کتاب مشتمل بر سه گزارش از گزارشگر داستانی برای مجله‌ی «المنجلاب» در مورد اقدامات یک گروه مبلغ مذهبی است. وی در این سه گزارش، به نحوه‌ی نگرش این مبلغان مذهبی که برای تبلیغ اسلام راهی نقاط مختلف در جهان شده‌اند می‌پردازد و تهیه‌ی گزارش در مورد گروهی که به اروپا اعزام شدند. می‌گوید که این گروه پس از دو سال و نیم چنان شیفته‌ی زندگی غربی و لهو و لعب شده بودند که به طور کلی منکر باورهای خود شده بودند و خوش‌گذرانی با دختران غربی را به فرشتگان وعده داده شده‌ی بهشتی ترجیح می‌دادند. وی در کتاب «توب مرواری» نیز در مورد باورهای خرافاتی و تاریخ ایران به طنز

می‌پردازد. در داستان‌های دیگری همچون «هوس‌باز» (۱۹۳۰)، «آینه‌ی شکسته» (۱۹۳۲) و «کتیا» (۱۹۴۲) دوباره برای توصیف ابعاد شخصیت‌های نمایشی خود، همچون کتاب «بوف کور»، به شخصیت‌های غربی روی می‌آورد.

یکی از هم‌نواترین شخصیت‌های غربی صادق هدایت در داستان «سگ ولگرد» (۱۹۴۲) یافت می‌شود. سگ ولگرد داستان یک سگ اسکاتلندی است که صاحب خود را گم می‌کند و از این جهت آواره‌ی خیابان می‌شود. از آن‌جا که سگ حیوان منفور و نجسی در اذهان و اسلام مورد حمایت ایرانیان است، مورد آزار و اذیت زیادی از سوی کودکان و مردم قرار می‌گیرد. صادق هدایت در این کتاب سعی می‌کند تمایز بین زندگی پیشین این سگ و شرایط حاضر آن را بیان کند.

هدف مراغه‌ای، جمال‌زاده، هدایت و دیگر نویسندگان که خواستار تغییر و اصلاح اجتماعی در نوشتار خود بودند، این بود که در نوشته‌های خود به نوعی به ایرانیان، معایب جامعه‌ی خود را متذکر شوند، تا ایشان در صدد فهم و درک و رفع آن برآیند. از دیگر نویسندگانی که سعی داشتند مردم را به بازنگری در مورد اذهان و باورهای خود فراخوانند، محمد حجازی بود. وی در کتابی تحت عنوان «سرشک» (۱۹۵۴) تصویر بسیار عاشقانه و رؤیایی را از آمریکا، مردم، عشق، نیکی و غیره به معرض دید می‌گذارد. این کتاب، نیز همچون کتاب‌های دیگر او خوانندگان زیادی را به ویژه از طیف جوانان و طبقه‌ی متوسط و مرفه جامعه در اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ به سوی خود جلب کرد.

فصل چهارم: «تأثیر بیگانه»

دیدن جهان در قالب سیاه و سفید، خوب و بد، راهی برای توجیه اعمال خود، رفتار و نگرش، و حتی گاهی اوقات هویت و وجود خود است. «خود» همواره در برابر «دیگری» است که معنا می‌شود. اگر بتوان «خود» را خوب معنا کرد؛ با توجه به این‌که «خوب» را نمی‌توان در فقدان «بد» معنا کرد، بنابراین، گاهی باید «بد» را ایجاد کرد، هر چند که وجود نداشته است. این فرضیه، هر چند ممکن است ساده‌انگارانه به نظر برسد، اما فرضیه‌ای است که ایرج پزشک‌زاد بر اساس آن یکی از به یادماندنی‌ترین و حقیقی‌ترین شخصیت‌ها را در رمان محبوب خود به نام «دایی جان

ناپلئون» در اوایل دهه ۱۹۷۰ ایجاد می‌کند. وی از این جهت که بسیار در مورد ناپلئون مطالعه کرده بود، این شخصیت را برای خود قهرمان قرار داده بود و تمام اعضای خانواده را نیز تشویق و یا وادار به مطالعه‌ی هر کتابی در خصوص وی می‌نمود. عمده‌ترین دلیل دل‌مشغولی دایی جان ناپلئون به ناپلئون بناپارت، به خشونت و خصومت وی با انگلستان مربوط می‌شد. وی هر کار و هر اتفاق و یا هر حادثه‌ی ناگواری را در سطح کشور و یا جهان از چشم انگلیسی‌ها می‌دید و به اکثر کسانی که در اطراف وی بودند، به عنوان مأمور سرّی انگلستان شک داشت و همگان را مأمور سرّی انگلیسی‌ها می‌دید. دشمنی وی با انگلیسی‌ها به قدری است که در یک مورد که به پیش خدمت خود شک کرده بود، در صدد کشتن وی برآمد. ریشه‌های انگلیس‌هراسی که به طور طنزآمیزی در رمان پزشک‌زاد مطرح شده است، به روابط ایران - انگلستان در گذشته، علی‌الخصوص به دوران سلطنت قاجار بر می‌گردد. در طول قرون نوزدهم و اوایل بیستم، ایران محل تاخت و تاز و رقابت قدرت‌های غربی شده بود. در این داستان خشم و انزجار پزشک‌زاد از انگلیسی‌ها است که در قالب داستان دایی جان ناپلئون عنوان شده است.

پزشک‌زاد در اصل، احساسات ضد انگلیسی را که در کشور در طول چندین دهه جاری بوده است، مطرح می‌نماید. یکی دیگر از آثاری که گویای انزجار ایرانیان از انگلستان به عنوان استعمارگر ظالم است و احساسات میهن‌دوستی را بر می‌انگیزد، اثر محمد حسین رکن‌زاده‌ی آدمیت با عنوان «دلبران تنگستان» در سال ۱۹۳۱ می‌باشد. محل وقوع این داستان یا به عبارتی رمان، شهر بوشهر و در مجاورت منطقه‌ی تنگستان است. در پی خشونت‌های هرات که در قرن نوزدهم تحت کنترل انگلستان بود، انگلیسی‌ها فرصتی یافتند تا پرچم کشور خود را بر فراز ساختمان‌های دولتی خود در بوشهر به اهتزاز درآورند که این امر هیچ اقدامی را از سوی دولت مرکزی ایران به همراه نداشت. اقدامات و اعمال انگلیسی‌ها احساسات میهن‌دوستی بسیاری از مردم شهرهای مختلف ایران را بر می‌انگیزد که از آن میان می‌توان به رؤسای اصلی قبایل که ارتش کوچکی را برای مقابله با انگلستان ترتیب می‌دهند، نام برد. هدف اصلی رکن‌زاده‌ی آدمیت در نوشتن این رمان، اول، ستایش قهرمانان ایرانی است که به رغم قلتشان در مقابل مهاجمین شجاعانه جنگیدند و دوم، و مطرح ساختن اهداف استعماری انگلیسی‌ها، هر چند داستانی، در مورد ایران است. شخصیت‌های انگلیسی به عنوان شخصیت‌های مکار، شیاد و بی‌رحم معرفی

می‌شوند که هدفشان چپاول سرمایه‌های ملی ایران است. ظلمی که از سوی انگلیسی‌ها به ایرانیان روا شده است را به ظلم از سوی اروپاییان تعمیم می‌دهد و آنان را هم‌ردیف انگلیسی‌ها معرفی می‌نماید. احساسات «رئیس علی» اصلی‌ترین شخصیت ضد انگلیسی رمان، گویای احساسات ضد انگلیسی نویسنده است.

یکی دیگر از آثاری که از لحاظ هنری بسیار قابل توجه است، رمان پر فروش سیمین دانشور با عنوان «سووشون» در سال ۱۹۶۹ است. این رمان، داستان یک خانواده‌ی شیرازی و عکس‌العمل‌های اعضای آن در برابر نیروهای اشغالگر عمدتاً انگلیسی‌ها است. یوسف و همسرش زری، یکی از سرسخت‌ترین مخالفان حضور بیگانگان در کشور و شهر شیراز بودند. سیمین دانشور، عمدتاً از زبان شخصیت اصلی داستان «زری» و سایر ایرانیان در طول داستان، چهره‌ی غربیان را که ارتباط مستقیمی با ایرانیان دارند به تصویر می‌کشد. یکی از این شخصیت‌های انگلیسی، شخصی به نام «زسینگر» است که پس از سال‌ها فروش و آموزش استفاده از چرخ خیاطی، با آغاز جنگ جهانی دوم، یونیفرم نظامی بر تن می‌کند. زری این عمل وی را این‌گونه تفسیر می‌کند که تمام انگلیسی‌ها که در مشاغل و خدمات مختلف در شهر مشغول فعالیت هستند، همواره منتظر و آماده‌ی روزی هستند که بتوانند در شرایط مقتضی و روز موعود به عنوان مأموران دولتشان وظایف خود را انجام دهند. در اصل، همچون گرگانی هستند که سال‌ها در پوستین بره به دنبال فرصت مناسب برای حمله به سر برده‌اند. در طول داستان‌ها و وقایع مختلفی که زری و سایر شخصیت‌های داستان از گذشته و حال مطرح کرده‌اند، تصویر ارائه شده از انگلیسی‌ها تصویری منفی بوده و نشان از انزجار نویسنده‌ی آن است.

علاوه بر عوامل پر شماری که باعث خشم و انزجار نویسندگان از انگلیسی‌ها است، سقوط دولت مصدق توسط انگلیسی‌ها به عنوان یکی از دلایل اصلی و عامل شعله‌ورتر شدن خشم آن‌ها معرفی شده است. با سرکوب نهضت مصدق، احساسات منفی از سوی انگلیسی‌ها به سوی آمریکایی‌ها تغییر یافت. کاهش قدرت انگلیسی‌ها برای بسیاری از نویسندگان ایران به معنای جایگزینی استعمارگری انگلیس با استعمارگری جدید آمریکایی‌ها بود. کودتای نظامی تحت رهبری ژنرال زاهدی و حامیانش برای برگرداندن حکومت به شاه به عنوان اقدامی از سوی

سازمان سنیا آمریکا معرفی شده است. رفته رفته چهره‌ی آمریکاییان در ادبیات فارسی در طول این دوران که مصداق آن آثار بنام جلال آل احمد (۱۹۶۹-۱۹۲۳) است، به منفی گرایید.

آثار جلال آل احمد، نویسنده‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ که بر موضوعات اجتماعی سیاسی متمرکز شده بود، در قالب داستان‌های کوتاه، رمان، مطالعات قوم و فرهنگ‌شناسی، سفرنامه و مقالات جنجالی بود. وی بر خلاف سیمین دانشور و پزشک‌زاد، در آثار غیر خیالی خود بسیار صریح و واضح سخن می‌گفت و در داستان‌های غیر واقعی سعی می‌کرد سخن و افکار خود را در پس سخنان گوینده‌ی داستان پنهان کند. یکی از آثار جنجالی برجسته‌ی وی، «غرب‌زدگی» است. این اثر، یک مقاله‌ی ۲۰۰ صفحه‌ای است که به رغم ممنوعیت در دوره‌ی پهلوی به طور گسترده در سراسر ایران دست به دست می‌گشت و در برگیرنده‌ی احساسات بسیاری از ایرانیان در خصوص تأثیرات غربی در ایران، در پاسخ به تلاش‌های دولت ایران برای مدرنیزه کردن کشور بود.

بر خلاف سیمین دانشور، که در اثر خود «سوروشون» به دوره‌ی جنگ جهانی دوم و شخصیت‌های انگلیسی می‌پردازد و مستقیماً مسایل موضوعی اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد، جلال آل احمد، به مسایل معاصر پرداخته و در ارائه تصویر از غربیان، آمریکاییان را مخاطب خود قرار می‌دهد. وی در کتاب «غرب‌زدگی» خود، جهان را به دو قطب تقسیم می‌کند: در یک قطب آن کشورهای صنعتی توسعه‌یافته (غرب) و در قطب دیگر کشورهای در حال توسعه (شرق) قرار گرفته‌اند. وی غرب را کشورهای سیر و شرق را کشورهای گرسنه معرفی کرده است. او غرب را در برگیرنده‌ی خصوصیات مهمی چون «درآمدهای بالا، میزان مرگ و میر کم، میزان تولد کم، خدمات اجتماعی سازمان‌یافته، تغذیه‌ی خوب» و کشورهای شرق را در برگیرنده‌ی خصوصیات معکوس می‌داند.

فصل پنجم: «چهره‌های متفاوت از غرب»

در رمان‌ها و داستان‌های کوتاهی که در فصل قبل مورد بررسی قرار گرفتند، تصاویر ارائه شده از غرب کلیشه‌ای و منفی بودند. چنین تصاویر منفی که نویسندگان از غرب ارائه می‌کردند، بیان‌گر نحوه‌ی تلاش غربیان در استثمار ایران و کنترل سیاسی و اقتصادی بر این کشور بود. ایجاد تصاویر منفی از غرب به طور مثال، در قالب شخصیت‌های کلیشه‌ای تلاشی بود برای مقصر

جلوه دادن غرب در تمام امراض اجتماعی ایران. این امر در رمان‌های نوشته شده از سوی جلال آل‌احمد، سیمین دانشور و پزشک‌زاد کاملاً مشهود است. با این وجود، نگرش ایران به غرب همیشه همچون داستان‌های مورد بررسی قرار گرفته در فصل قبل واضح و صریح نبوده است. بسیاری از داستان‌های ایرانی، به معضل رویارویی با غرب با دیده‌ی تردید می‌نگرند. بسیاری از نویسندگان غربی، زمانی که با واقعیت روبه‌رو می‌شوند و تأثیر غرب را اجتناب‌ناپذیر می‌یابند با یک نگاه درون‌نگرانه از مقصر جلوه دادن غرب در تمامی مصائب و مشکلات جامعه تردید می‌کنند. بنابراین، چهره‌ی ارائه شده از غرب همواره و کاملاً منفی و بد نبوده است. این نگرش تردیدآمیز به غرب، نه تنها در سفرنامه‌ها و حکایات قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بلکه در آثار نوشته شده پس از جنگ جهانی دوم نیز تداوم یافت.

یکی از این آثار، داستان ماجراجویانه حسین مدنی با عنوان «اسمال در نیویورک» است که پیش از تبدیل و انتشار به صورت کتاب در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ به صورت دنباله‌دار در مجله‌ی «سفيد و سپاه» منتشر می‌شد. قهرمان داستان، یک ایرانی بی‌سوادی است که پس از دوست شدن با یکی از سربازان نیروهای متحدین به نام ویلیام طی جنگ جهانی دوم، به آمریکا سفر می‌کند. این داستان، از یک جهت در راستای داستان‌هایی است که ایرانیان سفر به غرب را سفر به سرزمین عجایب می‌نامیدند و آن را سرزمین آمال و آرزوها معرفی می‌کردند؛ سرزمینی که پیشرفت‌های تکنولوژیکی و احترام آن‌ها به قانون مدنی کشورش، می‌توانست الگویی برای ایرانیان باشد. و از سوی دیگر در راستای داستان‌هایی است که غرب را به خاطر مسایل اخلاقی، ارتباط میان زنان و مردان، رفتار اجتماعی و تولید سلاح‌های مخرب و توسعه‌طلبی مورد نکوهش قرار می‌دهد. حسین مدنی در طی این داستان، از وضعیت زنان، آزادی، شرایط زندگی فقیرانه‌ی سیاهان آمریکایی، تولید سلاح‌های مخرب و سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی چرچیل، روزولت و استالین انتقاد می‌کند و از سوی دیگر، پیشرفت‌های آنان را در زمینه‌های تکنولوژیکی، آموزشی و احترام به قوانین اجتماعی، مورد ستایش قرار می‌دهد.

سفر اسمال (اسماعیل) به ایالات متحده، ابزاری است برای نشان دادن شگفتی‌ها و پیشرفت‌های غرب و همچنین انتقاد غیر مستقیم از ایرانیان و تلاش برای مطلع کردن آنان از

عقب ماندگی خود، و بهره برداری از درس هایی که می توان از غرب برای پیشبرد جامعه‌ی خود گرفت.

یکی دیگر از آثاری که گویای چنین نگاه تردیدآمیز و دوسویه‌ای از غرب است، داستان کوتاه نوشته‌ی ناصر تقوی با عنوان «آقا جولو» است. آقا جولو نام عامیانه‌ی آقای جولینو است. این داستان، حکایت یک ایتالیایی است که وارد بندر لنگه در خلیج فارس شده و در آن جا اقامت می‌گزیند. وی با کارها و اقداماتی که در این شهر صورت می‌دهد، باعث پیشرفت مردم و شرایط زندگی این شهر می‌شود. این شهر، قبل از ورود آقای جولینو به عنوان شهری راکد، فقیر، متشنج ناشی از اختلافات بین شیعه و سنی و شهری که هیچ آینده‌ای در انتظار آن نیست معرفی شده است. با ورود این ایتالیایی و اقداماتی که وی صورت می‌دهد این شهر جان می‌گیرد، کمی از فقر رها می‌شود و اختلافات میان شیعیان و بر اثر تشویق به همکاری با آقای جولینو در معامله از بین می‌رود. مردم این شهر، به این نتیجه می‌رسند که برای بر حذر داشتن وی از نوشیدن مشروبات الکلی، وی را که کم‌کم به یکی از بومیان این شهر تبدیل می‌شود، تشویق به ازدواج کنند که ملازمه‌ی آن تغییر دین به اسلام است. وی پس از ازدواج، کار جدیدی را شروع می‌کند و آن تهیه‌ی عکس از بدن برهنه‌ی همسر ایرانی‌اش و فروش آن به خدمه‌های کشتی‌ها است. وی پس از ترک همسرش، این کار را با ازدواج با دختر کدخدا ادامه می‌دهد و در نهایت توسط ژاندارمری دستگیر می‌شود.

این داستان نیز گویای همان نگاه تردیدآمیز و دوسویه به غرب است. این نویسنده سعی دارد با بیان برخی از ابعاد این داستان که همان به تحرک و آداشن مردم شهر در جهت پیشرفت خود است، دو درس به مردم شهر (یا به طور کلی به مردم ایران) بدهد و آن بهره‌گیری از ابعاد مثبت زندگی غربی و رد ابعاد منفی آن است.

آثار دیگری که سعی دارند با ارائه‌ی تصاویر و چهره‌های متفاوت از غرب، ابعاد مثبت زندگی آنان را تبلیغ و ابعاد منفی آن را نهی کنند، «ترس و لرزه» (۱۹۶۸) اثر غلامحسین ساعدی، «پرس تاریخی» (۱۹۶۹) اثر خسرو شاهانی، «ترس و لرزه» اثر همین نویسنده، «عید ایرانی‌ها» (۱۹۶۱) اثر سیمین دانشور، «اسب چوبی» (۱۹۶۶) اثر صادق چوبک و نظایر این‌ها می‌باشند.

فصل ششم: «عکس‌العمل‌های دوران پس از انقلاب»

مثال‌ها و داستان‌های مورد بررسی در فصول قبل، علی‌الخصوص داستان‌های مورد بحث در فصل چهارم و پنجم نشان می‌دهد دریافت‌های نویسندگان از اعمال و اقدامات قدرت‌های غربی چه بوده است. عکس‌العمل نویسندگان داستان‌هایی همچون «دلبران تنگستان»، «دایسی جان ناپلئون»، «مدیر مدرسه»، «سووشون»، «ترس و لرز» و «برج تاریخی» همگی بر حس میهن‌پرستی بنا شده‌اند که هم به صورت آشکار و هم ضمنی در این داستان‌ها قابل مشاهده است. داستان‌های مدرن ایرانی، از آغاز خود در اواخر قرن نوزدهم، ابزاری برای ابراز نارضایتی از دولت حاکم و رژیم سیاسی وقت بود که همواره از آن به دولت دست‌نشانده و ابزار قدرت غرب تعبیر می‌شد. در دوران رژیم پهلوی، نویسندگان از پرداختن ارتباط بین رژیم حاکم و یا دربار سلطنتی با قدرت‌های غربی منع می‌شوند. سانسورهای تحمیل شده از سوی دولت، از بیان چنین مطالبی، چه در مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی، جلوگیری می‌کرد. اما با همه این‌ها، انتقاد از غرب همچنان به حد وفور دیده می‌شد، هر چند این نیز گاهی منجر به اعمال تحریم از سوی دولت می‌شود. یکی از کتب غیر داستانی که چنین نگاه انتقادآمیزانه‌ای به غرب دارد، اثر احسان نراقی با عنوان «غربت غرب» است که در سال ۱۹۷۴ برای اولین بار منتشر شد و پیش از وقوع انقلاب اسلامی چهار بار تجدید چاپ شد. در این کتاب، نویسنده که دارای تجربه‌ی فراوانی از زندگی غربی است و با ابعاد زندگی غربیان آشنایی کامل دارد، زبان به انتقاد از غرب می‌گشاید و چهره‌ی بسیار منفی را از این جوامع و فرهنگ‌ها به نمایش می‌گذارد. وی غرب را جامعه‌ای می‌داند که از بسیاری از مسایل و بحران‌های معنوی رنج می‌برد. وی به رغم کسانی که خواستار تقلید کامل از غرب بودند، پیشنهاد می‌کند که ایرانیان با درس گرفتن از اشتباهات غربیان، سعی نمایند «فرهنگ دیگری» برای خود در آینده بسازند.

غرب مورد معرفی نراقی، دچار یک بحران شده است. اولاً، چون تأکید زیادی بر تولید اقتصادی داشته و صرفاً در پی رفع نیازهای دنیوی بوده، از نیازهای معنوی و عاطفی بازمانده است. این امر باعث کاهش توجه به زندگی خانوادگی و در نهایت منجر به تنهایی و بیگانگی می‌شود. ثانیاً، بر اثر توجه زیاد به تکنولوژی، غرب دچار یک بحران اکولوژیکی شده است. ثالثاً، تکنولوژی وضعیتی را پیش آورده است که در آن آزادی‌های بشری محدود شده و انسان به

برده‌ای برای ماشین تبدیل شده است. در نهایت، مصرف‌گرایی، بوروکراسی و سیستم‌های مکانیزه باعث کاهش نوآوری در غرب و کنترل‌کننده‌ی عدالت، آزادی، دموکراسی و جنگ دستگاه‌ها شده‌اند.

همان‌طور که گفته شد، به رغم اعمال سانسور در سراسر دوران حکومت پهلوی، بیان انتقادآمیز از غرب، نه تنها مورد تحمل رژیم قرار می‌گرفت، بلکه بنا به دلایل سیاسی گاهی اوقات زمینه‌ی بحث و بررسی آن در مجامع فراهم می‌شد. اما این انتقاد نباید ارتباط بین رژیم و وقت با قدرت‌های غربی را نشان می‌داد. با این حال، بسیاری از نویسندگان ضد رژیم با ارائه‌ی چهره‌ی منفی از غرب، از دولت پهلوی محمدرضا شاه که حامی غرب نام گرفته بود، استفاده می‌کردند.

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹-۱۹۷۸ و فروپاشی سلسله‌ی پهلوی، دیگر هیچ مانعی پیش پای نویسندگان وجود نداشت و آزادانه می‌توانستند در مورد امتیازات واگذار شده از سوی شاه به قدرت‌های غربی و حتی نامیدن وی به عنوان یکی از عمال قدرت‌های غربی سخن بگویند. یکی از نویسندگانی که از فضای ضد غربی پس از انقلاب در ایران استفاده کرد و رمان‌هایی را که به تأثیر دولت آمریکا بر نیروهای نظامی و ساواک می‌پرداخت به رشته‌ی تحریر در آورد، رضا براهنی بود. برای براهنی که مدت‌ها ساکن غرب بود و در دهه‌ی ۱۹۷۰ کتاب‌هایی را در مورد انتقاد از رژیم پهلوی علی‌الخصوص پلیس مخفی ساواک تألیف کرده بود، انتقاد از حکومت پهلوی و آمریکاییان چیز جدیدی نبود. با این وجود، پس از انقلاب فرصت و مجال بیشتری یافت و آثار دیگری را به رشته تحریر در آورد. «آواز کشتگان» که به ادعای وی در سال ۱۹۷۴-۷۵ آماده چاپ گردید و در سال ۱۹۸۳ منتشر شد، در برگیرنده‌ی ارتباط بین پلیس مخفی ایران موسوم به ساواک با مأموران سرّی آمریکایی بود.

از آثار دیگری که پس از انقلاب اسلامی در انتقاد از غرب و حکومت پهلوی، ابعاد وابستگی، آثار حضور و دخالت غربیان در ابعاد مختلف حکومتی و... نگاشته شدند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «راز سرزمین من» (۱۹۸۷) نوشته‌ی رضا براهنی، «رقص رنج» (۱۹۸۱) نوشته‌ی خسرو نسیمی، «در هزار» (۱۹۸۷) نوشته‌ی امیر شهری، «اهل غرق» (۱۹۸۹) نوشته‌ی منیر و روانی‌پور و برخی آثار دیگر.